

تسعیر نرخ ارز از منظر فقهی



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه اقتصاد و زیربنایی / کارگروه بازارهای مالی اسلامی

تهیه کننده:

حجت الاسلام والمسلمین جواد عبادی

همکار اصلی:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی مظهر

اظهار نظر کنندگان:

حجج اسلام آقایان:

سید حسین میرمعزی

(هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

احمدعلی یوسفی

(هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

سید رضا حسینی

(هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

مجید رضایی

(هیأت علمی دانشگاه مفید)

غلامرضا مصباحی مقدم

(هیأت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام))

عنوان:

تسعیر نرخ ارز از منظر فقهی

شماره ثبت لایحه / طرح:

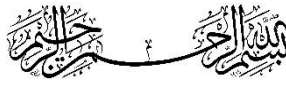
-

شماره ثبت در مرکز:

۰۴/-/۲۵-۶۸۶

تاریخ انتشار:

تابستان ۱۴۰۴



تسعیر نرخ ارز از منظر فقهی

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه اقتصاد و زیربنایی/کارگروه بازارهای مالی اسلامی
تابستان ۱۴۰۴

فهرست

خلاصه مدیریتی	۸
مقدمه	۱۱
ریشه‌های فقهی اختلاف	۱۳
الف) مروری بر ادبیات فقهی درباره تسعیر کالا	۱۳
۱. ممنوعیت تسعیر	۱۴
۲. موارد جواز تسعیر	۱۷
جمع‌بندی فقهی در مورد تسعیر کالا	۱۹

- ۲۳ (ب) بررسی فقهی تسعیر نرخ ارز
- ۲۴ دیدگاه اول: ارز خارجی به مثابه‌ی کالای عادی
- ۲۵ دیدگاه دوم: ارز به مثابه پول
- ۲۵ دیدگاه برگزیده: ارز یک کالای خاص است
- ۲۸ جمع‌بندی حکم فقهی تسعیر ارز خارجی
- ۳۰ توصیه‌های سیاستی
- ۳۳ منابع

خلاصه مدیریتی

این گزارش به بررسی فقهی «دخالت دولت اسلامی در قیمت گذاری ارزهای خارجی»، به ویژه در شرایط جنگ اقتصادی و تحریم، می پردازد. تسعیر نرخ ارز، به ویژه پس از حذف ارز ترجیحی در سال های اخیر و تغییر سیاست های ارزی دولت جدید، به یکی از چالش های اصلی اقتصاد ایران تبدیل شده است. این موضوع علاوه بر ابعاد اقتصادی، از منظر فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در ابتدای این گزارش، دیدگاه های فقهی درباره تسعیر (قیمت گذاری حکومتی) بر کالاها بررسی شده است. بیشتر فقها، تسعیر را در شرایط عادی اقتصادی ممنوع دانسته و آن را مخالف قواعدی چون «سلطنت»، «تجارت عن تراض» و «احترام مال مسلمان» دانسته اند. با این حال، در شرایط احتکار، اجحاف یا اختلال در نظام اقتصادی، برخی فقها مانند امام خمینی (ره) دخالت دولت را جایز یا حتی واجب می دانند، که در این شرایط هم باید مصلحت عمومی محور قرار گیرد.

در ادامه، بحث تسعیر نرخ ارز مطرح می شود و دو دیدگاهی که بین کارشناسان درباره ماهیت کارکردی ارز وجود دارد به ترتیب زیر بیان شده است:

دیدگاه اول: ارز مانند کالای عادی است و دولت نباید در نرخ گذاری آن دخالت کند.

دیدگاه دوم: ارز مشابه پول ملی است و دولت باید برای حفظ ارزش پول ملی، در تعیین نرخ ارز دخالت کند.

در ادامه، با نقد این دو دیدگاه، نظر سومی برگزیده شده است مبنی بر اینکه هرچند ارز شبیه پول ملی نیست، ولی به دلایلی از جمله تأثیر بسیار زیادی که بر روی ارزش پول ملی دارد، «کالای خاص» محسوب می‌شود و همواره در معرض شرایط احکام ثانوی نظیر «ممنوعیت اختلال نظام» و «لاضرر» و «قاعده مصلحت» قرار دارد؛ بنابراین دولت باید تا زمانی که شرایط ثانوی برقرار است، نرخ ارز را با رعایت اولویت سیاست‌های غیرتسعیری مدیریت نماید.

در پایان گزارش، چند توصیه سیاستی برای مدیریت دولت ارائه شده که خلاصه آنها چنین است:

۱. دولت به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز در کشور می‌تواند ارزی را که خودش به بازار عرضه می‌نماید، با قیمت متعارف و متناسب با شرایط اقتصادی کشور قیمت‌گذاری کند و به این ترتیب روی قیمت‌های بازار تأثیر مثبت بگذارد و این منافاتی با قاعده ممنوعیت تسعیر ندارد.

۲. دولت به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز باید در تعیین نرخ ارز برای شرکت‌های دولتی، قدرت خرید مردم و جلوگیری از تورم را لحاظ کند؛ نه جبران کسری بودجه خود را.

۳. با توجه به اهمیت نرخ ارز در کشور و تأثیر چشمگیر آن بر قیمت سایر کالاها، می‌توان ادعا کرد احتکار «ارز» در شرایط امروز کشور، منجر به اختلال نظام معیشت مردم شده و مشمول روایات ممنوعیت احتکار می‌شود و دولت نمی‌تواند نسبت به احتکار ارز بی‌تفاوت باشد.

۴. روایات ممنوعیت تسعیر، راه برون‌رفت از مشکل گرانی مقطعی کالاها را، عرضه کالای احتکارشده دانسته‌اند. از این رو استناد به این روایات برای ممنوعیت تسعیر نرخ ارز بدون ایجاد سازوکاری جهت جلوگیری از احتکار ارز، استدلالی ناقص است.

۵. الزام محکمر به عرضه کالای خود به‌منظور تأمین نیاز «مصرف‌کنندگان نهایی» است. بنابراین دولت باید سازوکار بازار را به‌گونه‌ای سامان دهند که نه صادرکننده بتواند ارز حاصل از صادرات خود را احتکار نماید و نه در صورت الزام صادرکنندگان به عرضه ارز، این ارز به دست سفته‌بازان افتاده و این بار توسط سفته‌بازان احتکار شود!

۶. به‌دلیل شرایط جنگ اقتصادی حاکم بر کشور و تلاش دشمن به افزایش فشار اقتصادی بر مردم حتی از طریق ایجاد شوک‌های روانی در بازار ارز از طریق برخی کانال‌های تلگرامی، نمی‌توان به قیمت ارز در بازار غیررسمی اعتماد کرد و آن را مبنای سیاست‌گذاری یا حتی تسعیر نرخ ارز قرار داد؛ بلکه ابتدا باید شرایط بازار را با خارج کردن سفته‌بازان از این بازار و الزام محکمران به عرضه ارز، تثبیت کرد و سپس اقدام به سیاست‌گذاری یا تسعیر نمود.

مقدمه

تردیدی نیست که بخشی از نابسامانی‌های فعلی اقتصاد کشور، مربوط به قیمت ارزهای خارجی^۱ به‌ویژه دلار می‌باشد. به‌طور معمول نرخ ارزهای خارجی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد^۲ که یکی از آنها (به‌خصوص در اقتصاد ایران و برخی کشورها)، دخالت کشورهای متخاصم، ازجمله آمریکا، در شکل‌های مختلف جنگ اقتصادی همچون جریان تحریم و جنگ رسانه‌ای نسبت به نرخ بازار آزاد ارز می‌باشد.^۳ در پی این شرایط، به‌ویژه پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم و تغییر سیاست‌های ارزی به سمت حذف ارز ترجیحی و واگذاری تعیین نرخ ارز به بازار، یکی

۱. پول‌های خارجی غیر از پول ملی هر کشور را «ارز» می‌گویند (مانند دلار و...) و نرخ ارز (با به عبارتی، نرخ یک ارز خارجی خاص مثل دلار یا یورو) عبارت است از مقداری از واحد پولی ملی که برای به دست آوردن یک ارز خارجی باید پرداخت شود. ر.ک: شاکری، عباس، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، انتشارات رافع، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲. از عوامل معمول تأثیرگذار در نرخ ارز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وضعیت کلی اقتصادی یک کشور، ازجمله تولید ناخالص داخلی (GDP)؛ عرضه و تقاضای ارز؛ نرخ سود بانکی؛ تجارت بین‌الملل و تراز تجاری یک کشور (یعنی تفاوت بین صادرات و واردات)؛ نوسانات سیاسی؛ انتظارات و پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاران.

۳. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (دکتر فرزین)، اخیراً در اظهاراتی با اشاره به نرخ‌گذاری یکی از کانال‌های تلگرامی برای دلار، گفت: «یکی از کانال‌های تلگرامی که هر روز ساعت ۹ صبح برای ارز نرخ می‌گذارد، سوره‌هایش در آمریکا ثبت شده است». رئیس کل بانک مرکزی افزود: «وقتی ۹ صبح معاملاتی صورت نمی‌گیرد این کانال نرخ می‌گذارد و همه صرافی‌ها هم از روی آن نرخ دلار را می‌گذارند. یک کانالی ایجاد کرده‌اند که با آن به بازار ما علامت و علائم غیرواقعی به بازار می‌دهند».

از موضوعاتی که این روزها در محافل علمی و مدیریتی مورد بحث قرار گرفته، لزوم یا ممنوعیت ورود دولت به عنوان حاکم اسلامی^۱ در قیمت گذاری نرخ ارز است. از یک سو برخی از محققان و مدیران و سیاست گذاران اقتصادی تابع آنها معتقدند که ارز یک دارایی شخصی است و دولت حق ندارد برای اموال دیگران قیمت تعیین کند؛ زیرا این موضوع اولاً موجب ضرر اشخاص دارنده ارز می شود، ثانیاً از نظر اجتماعی هم موجب پدید آمدن بازار سیاه و احتکار و... و در نهایت موجب ضرر به عموم جامعه می شود.^۲

در مقابل، عده ای از محققان و کارشناسان اقتصادی بر این نظرند که عدم ورود دولت در قیمت گذاری ارز در شرایطی که کشور در یک جنگ اقتصادی تمام عیار از سوی دشمن قرار دارد، به نابودی اقتصاد کشور منجر می شود. از نظر این گروه، مدیریت و نظارت دولت بر بازار ارز، که لازمه آن تعیین دستوری نرخ ارز است، برای جلوگیری از ضرر به عموم جامعه ضروری است.^۳

اختلاف میان این دو دیدگاه چنان شدت گرفته که هریک برای اثبات ادعای خود به مستندات فقهی استناد می کنند. از این رو، بررسی ابعاد فقهی این موضوع براساس نظرات فقها ضرورت یافته است.

۱. حاکم اسلامی به فرد یا نهادی اشاره دارد که براساس موازین و اصول اسلامی، مسئولیت اداره امور جامعه و اجرای احکام الهی را برعهده دارد و در این گزارش گاهی از آن به «دولت» یاد شده است.

۲. اظهارات دکتر موسی غنی نژاد در مصاحبه با اکو ایران: <https://Bvn.ir/gbr۲۰۳>

۳. اظهارات دکتر سید یاسر جبرائیلی: <https://Bvn.ir/nj۲۵۴۰>

ریشه‌های فقهی اختلاف

بررسی دیدگاه‌های طرفین نشان می‌دهد که اختلافات فقهی عمدتاً به دو موضوع زیر باز می‌گردد:

۱. اختلاف در «جواز یا حرمت تسعیر توسط حاکم»

۲. اختلاف در «پول» یا «کالا» بودن ارزهای خارجی

موضوع اول از مباحث قدیمی فقهی است که در فقه متقدم و متأخر امامیه و عامه بحث شده است؛ اما موضوع دوم از مسائل نوظهور و مستحدثه فقهی محسوب می‌شود. در این گزارش ابتدا مروری کوتاه بر اقوال فقها در مورد موضوع اول یعنی حکم «قیمت‌گذاری دولت بر کالاها» ارائه می‌شود، سپس موضوع تسعیر نرخ ارز به صورت خاص از منظر فقهی بررسی و در پایان برخی توصیه‌های سیاستی برای مدیریت نرخ ارز پیشنهاد خواهد شد.

الف) مروری بر ادبیات فقهی درباره تسعیر کالا

گفته شد که درباره ماهیت ارزهای خارجی نسبت به پول رسمی کشور، از منظر «کالا» یا «پول» بودن، میان محققان اختلاف نظر وجود دارد. در این بخش، با صرف نظر از این اختلاف و با فرض کالا بودن ارزهای خارجی، به بررسی خلاصه‌ای از دیدگاه‌های فقهی در این زمینه می‌پردازیم.

۱. ممنوعیت تسعیر

تسعیر در لغت به معنای تعیین نرخ و توافق کردن بر یک قیمت است^۱ و در اصطلاح فقه عبارت است از قیمت گذاری حاکم یا نماینده او بر روی کالا^۲ و اجبار فروشندگان به معامله براساس آن قیمت.^۳

فقیهان بالاتفاق، تسعیر به معنای دخالت دولت در قیمت گذاری کالاها را حرام دانسته‌اند؛^۴ تا جایی که شیخ طوسی بر این حکم ادعای اجماع کرده است^۵ و علامه حلی آن را مشهور بین فقیهان دانسته و می‌نویسد: «مشهور بین فقها این است که امام یا نائب او جایز نیست که روی کالاها را اهل بازار قیمت گذاری کند و در این حکم فرقی نمی‌کند که قیمت‌های بازار در شرایط عادی باشد یا گرانی».^۶

فقیهان برای این حکم به برخی قواعد عمومی فقه از جمله «قاعده سلطنت»، «قاعده ممنوعیت اکل مال به باطل یا تجارت از روی تراضی طرفین»، «قاعده احترام» و همچنین ادله نقلی خاصی استناد کرده‌اند که به ممنوعیت تسعیر اشاره دارد.^۷

۱. ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه سعر.

۲. در بیان فقها، مباحث مربوط به تسعیر (تعیین قیمت گذاری توسط حاکم اسلامی) عمدتاً در مورد کالاها مطرح شده است، اما بسیاری از فقها معتقدند که این احکام به خدمات نیز تسری می‌یابند. به عبارت دیگر، تسعیر تنها محدود به کالاها را مادی نیست، بلکه شامل اعمال و خدمات (مانند دستمزدها، هزینه‌های پزشکی، حمل و نقل و...) نیز می‌شود.

۳. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، الموسوعة الفقهیة، ج ۶، ص ۱۴۵.

۴. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۴۸۵.

۵. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۲، ص ۱۹۵.

۶. علامه حلی، نه‌ایة الاحکام فی معرفة الاحکام، ج ۲، ص ۵۱۵: «المشهور أنه لا يجوز التسعیر لا للإمام ولا لنائبه علی أهل الأسواق فی شيء من أمتعتهم من الطعام و غیره فی حال الرخص والغلاء».

۷. همان، ج ۲، ص ۵۱۵؛ منتظری، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۲، ص ۶۶۴.

براساس «قاعده سلطنت»^۱ هر کس بر اموال شخصی خود سلطه دارد و از مصادیق سلطه، حق قیمت گذاری بر آن کالا است. بنابراین کسی حق ندارد بر اموال دیگران قیمت بگذارد.

«قاعده تجارت»^۲ عن تراض هم دلالت دارد بر اینکه عقود در صورتی صحیح هستند که تراضی طرفینی وجود داشته باشد. بنابراین در صورتی که شخصی به فروش دارایی خود به قیمتی که راضی نیست اجبار شود، این معامله از شمول «تجارت عن تراض» خارج شده و مصداق اکل مال به باطل خواهد بود.

مفاد «قاعده احترام»^۳ هم عبارت است از اینکه مال مسلمان همانند جان و آبروی او حرمت دارد و تصرف در آن جایز نیست. قیمت گذاری دستوری روی مال یا عمل انسان نوعی تصرف محسوب می شود که در صورت متضرر شدن صاحب مال، خلاف این قاعده و حرام خواهد بود.

۱. این قاعده مستند به روایتی است به این مضمون «الناس مسلطون علی اموالهم» که در منابع روایی اهل سنت نقل شده و در میان فقهای شیعه تلقی به قبول شده است. ر.ک: شیخ طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۱۷۶ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۷.

۲. مستند این قاعده، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹) می باشد.

۳. مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۲۱۸.

همچنین از جمله ادله نقلی مربوط به تسعیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آیه‌ای که دستور می‌دهد از حقوق مردم کم نگذارید.^۱ براساس این آیه شریفه، وقتی کالایی قیمت متعارفی داشته باشد و دولت، قیمتی پایین‌تر برای آن تعیین کند، مصداق «بخس» است که در این آیه شریفه از آن نهی شده است.
- روایاتی که دلالت دارند پیامبر اکرم (ص) در مقابل درخواست مردم برای قیمت‌گذاری بر کالاها، این کار را رد کردند و نپذیرفتند.^۲ در برخی از این روایات، تعبیر «اسعار» آمده است که نشان می‌دهد سطح عمومی قیمت‌ها بالا رفته بود. با این حال پیامبر اکرم (ص) از قیمت‌گذاری امتناع ورزیدند.^۳
- روایاتی که دلالت دارند قیمت‌ها در اختیار خداوند و ملائکه الهی است.^۴
- روایاتی که دلالت دارند حتی در موارد احتکار نیز دولت حق قیمت‌گذاری ندارد و تنها باید با عرضه کالا در بازار، تنظیم بازار کند.^۵

۱. «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۵؛ شعرا: ۱۸۳.

۲. از جمله: غَلَا السَّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: لَوْ سَعَّرْتَ لَنَا - وَرَوَى: فَقَالُوا لَهُ: غَلَا السَّعْرُ فَأَسْعِرْ لَنَا - فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسْعِرُ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ، إِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَا يَطْلُبَنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ بِمُظْلِمَةٍ (زمخشري، الفائق في غريب الحديث، ج ۲، ص ۱۴۲).

وَقِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ سَعَّرْتَ لَنَا سَعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ فَقَالَ: مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَلَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِأَكْلِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَإِذَا اسْتَضَحُّمْتُ فَأَنْصَحُوا (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۶۸).

۳. ر.ك: نجفی، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۴۸۵.

۴. از جمله: قَبِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَوْ قَوَّمتْ عَلَيْهِمْ فَغَضِبَ (ع) حَتَّى عَرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَقَالَ أَنَا أُقَوِّمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۶۵).

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَلَّ بِالسَّعْرِ مَلَكًا يَذْبُذُهُ بِأَمْرِهِ... (كليني، الكافي، ج ۵، ص ۱۶۳).

۵. از جمله: وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّشْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع) عَلَى أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ (ابن حيون، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۶).

۲. موارد جواز تسعیر

برخی فقها مواردی را برشمرده‌اند که در آنها دولت حق دخالت در قیمت گذاری کالا و خدمات را دارد؛ از جمله آنها «احتکار» است. اجبار محتکر بر فروش جنس احتکاری، مورد اتفاق فقیهان شیعه است؛^۱ اما در مورد تعیین نرخ فروش توسط حاکم، اختلاف نظر وجود دارد.^۲ نظر مشهورتر میان فقیهان شیعه، حرمت نرخ گذاری بر اجناس احتکاری است؛^۳ ولی برخی فقیهان، از جمله شیخ مفید^۴ و سَلار دیلمی^۵ معتقدند که حاکم اسلامی می‌تواند براساس مصلحت عمومی، برای کالاهای احتکار شده قیمت گذاری کند، مشروط بر اینکه حقوق صاحب کالا پایمال نشود.

برخی دیگر از فقیهان، قیمت گذاری توسط حاکم را در صورتی جایز دانسته‌اند که قیمت پیشنهادی محتکر به حد اجحاف برسد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «باید شخص محتکر به فروختن اجبار شود و بنابر احتیاط (واجب) قیمت برای او تعیین نمی‌شود، بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد بفروشد مگر آنکه اجحاف کند. پس او را مجبور می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد - بدون آنکه برایش تعیین قیمت نمایند - و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند».^۶

۱. بحرانی، الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱۸، ص ۶۴.

۲. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، ص ۴۸۵.

۳. حلی (محقق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۲۱.

۴. شیخ المفید، المقنعه، ص ۶۱۶: «و للسلطان أن یکره المکتکر علی إخراج غلته و بیعها فی أسواق المسلمین إذا كانت بالناس حاجة ظاهرة إليها و له أن یسررها علی ما یراه من المصلحة و لا یسررها بما یخسر أربابها فیها».

۵. سَلار دیلمی، المراسم العلویة فی الاحکام التَّبویة، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶. امام امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۵۰۲: «ویجبر المکتکر علی البیع، ولا یعین علیه السعر علی الأحوط، بل له أن یبیع بما شاء إلا أجحف، فیجبر علی النزول من دون تسعیر علیه، ومع عدم تعینّه یعین الحاکم بما یری المصلحة».

همچنین ایشان در کتاب البیع می‌نویسد: «تسعیر ابتدائاً جایز نیست بلکه اگر اجحاف کرد، بر تنزیل قیمت مجبور می‌شود. در غیر این صورت، حاکم او را ملزم می‌کند به قیمت بلد یا به قیمتی که مصلحت می‌بیند. عدم تسعیر، ممکن است منتهی شود به بقای احتکار؛ چرا که ممکن است محتکر به قصد فرار از فروش، قیمتی را بیان کند که کسی قادر به خرید آن نباشد؛ پس اشکالی ندارد که امثال این موارد، به حاکم و والی ارجاع شود».^۱

شایان ذکر است درباره اینکه این حکم از احکام اولیه فقهی است^۲ یا از احکام ثانویه یا احکام حکومتی^۳ اختلاف نظر وجود دارد.

امام خمینی (ره) به طور کلی احکام حکومتی را از احکام اولیه اسلام می‌داند و معتقد است که ولی فقیه می‌تواند در موارد مصلحت، حتی برخلاف سایر احکام اولیه، احکام حکومتی صادر کند^۴ و این احکام، مشروط به عارض شدن عناوین ثانوی همچون اضطرار نیستند.

۱. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاء، ج ۵، ص ۴۲۶.

۳. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، ج ۲، ص ۶۶۴، قم.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

جمع‌بندی فقهی در مورد تسعیر کالا

۱. مجموع دلایل مرتبط با تسعیر نشان می‌دهد که در شرایط عادی اقتصادی، دخالت دولت در تعیین قیمت‌ها ممنوع است و در این زمینه، قاعده «ممنوعیت تسعیر» حاکم است.

۲. هر چند عمده دلایل منع تسعیر مربوط به شرایط احتکار است، اما در این مورد باید به دو نکته توجه کرد:

اول اینکه هر چند در برخی روایات، ممنوعیت احتکار تنها به دسته‌ای از اقلام غذایی (گندم، جو، خرما، روغن و...) محدود شده که مورد نیاز عموم مردم بوده است،^۱ اما به نظر می‌رسد ممنوعیت احتکار به این کالاها محدود نیست و هر کالای اساسی که در زندگی مردم نقش کلیدی دارد و انباشت آن باعث اختلال در بازار یا ضرر به عموم شود، می‌تواند تحت این حکم قرار گیرد. این موضوع به شرایط زمان و مکان و نیازهای جامعه بستگی دارد. برای مثال، در دوران معاصر، احتکار اقلامی مانند دارو، سوخت یا حتی تجهیزات پزشکی در شرایط خاص می‌تواند مصداق احتکار باشد.

دوم اینکه احتکار تنها به معنای انبار کردن کالا و عرضه نکردن آن نیست؛ گاهی فروشنده‌ای که به هر دلیل تمایلی به عرضه کالای خود ندارد، برای فرار از اتهام احتکار، قیمتی غیرمنصفانه (اجحافی) و بالا تعیین می‌کند تا عملاً خرید برای مردم ممکن نباشد

۱. به عنوان نمونه: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ غِیَاثِ بْنِ إِزْهَیْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «لَيْسَ الْحُكْمُ إِلَّا فِي الْجُحْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالسَّمْنِ؛ إِمَامٌ صَادَقَ (ع) فَرَمَوْند: احتکار تنها در گندم و جو و خرما و کشمش و روغن است» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۶۴).

و سود احتکار نصیصش شود. به نظر برخی فقها^۱ این رفتار نیز در صورت وجود سایر شرایط احتکار (مانند کالای اساسی بودن و کمبود در بازار) در حکم احتکار است؛ با این تفاوت که در این حالت، دولت فروشنده را به عرضه کالا مجبور نمی‌کند (زیرا فرض بر عرضه توسط فروشنده است)، بلکه او را ملزم به کاهش قیمت تا سطح منصفانه (غیراجحافی) می‌نماید. در صورت امتناع فروشنده، دولت می‌تواند روی کالای او قیمت‌گذاری کند.

۳. ادله منع قیمت‌گذاری (تسعیر) ناظر به مواردی است که قیمت‌ها براساس قانون عرضه و تقاضا به صورت طبیعی و بدون اجحاف، افزایش یا کاهش می‌یابند؛^۲ چنان‌که از برخی عبارات ذکرشده در روایات تسعیر از جمله: «غَلَّا السُّعْر»، «فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ»، و «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ، الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ» نشان می‌دهند که این ممنوعیت به تغییرات طبیعی قیمت‌ها مربوط است.

۱. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. در شرایط طبیعی اقتصاد هم امکان افزایش یا کاهش قیمت‌ها به‌خاطر بروز مؤلفه‌های طبیعی نظیر: افزایش یا کاهش تقاضا، کمبود عرضه به جهت کاهش نزولات آسمانی یا به جهت هر نوع آفات ارضی و سماوی مثل سیل و زلزله یا حتی جنگ و تحریم دشمنان محتمل است.

اما در صورتی که کاهش یا افزایش قیمت‌ها به صورت طبیعی نبوده و افراد تمامیت خواه یا حتی نفوذی‌های دشمنان متخاصم نبض بازار را دست گرفته و قیمت‌ها را به صورت مصنوعی و به منظور اختلال در اقتصاد کشور دستکاری نمایند، این افزایش یا کاهش قیمت‌ها مصداق عبارت «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ»^۱ نخواهد بود و قبض و بسط قیمت‌ها در این فرض را نمی‌توان منتسب به خدای متعال دانست و به تعبیر برخی محققان، در چنین بازاری شیطان حاکم است.^۲

۴. همچنین در برخی روایات، درباره امتناع پیامبر اکرم (ص) از تسعیر، چنین نقل شده است که حضرت فرمود: «نمی‌خواهم خدا را در حالی ملاقات کنم که مظلومه‌ای بر گردنم باشد»^۳ و در یکی دیگر از این روایات می‌فرماید: «مردم را رها کنید تا از همدیگر روزی بخورند».^۴ از این دو عبارت می‌توان چنین نتیجه گرفت که قلمرو قاعده «ممنوعیت تسعیر»، شرایط طبیعی بازار است؛ به طوری که ورود دولت به قیمت‌گذاری، موجب ظلم به مردم شود و مردم نتوانند از همدیگر روزی ببرند.

۱. زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. مصباحی مقدم، مصاحبه تصویری منتشر شده در رسانه‌ها.

۳. از جمله: عَلَا السَّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: لَوْ سَعَرَتْ لَنَا - وَ رَوَى: فَقَالُوا لَهُ: غَلَا السَّعْرُ فَأَسْعِرْ لَنَا - فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ، إِنِّي لِأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَلَا يَطْلُبَنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ بِمَظْلَمَةٍ (زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱۴۲).

وَقِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَشْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ ع مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يَحْدُثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸).

۴. ... قَدْ عُوا عِبَادُ اللَّهِ يَا كُلُّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ إِذَا اسْتُصْحِحَتْ فَأُلْصَحُّوا (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸).

اما اگر وضعیت، همانند آنچه در بند قبلی گفته شد، طوری شود که عدم دخالت دولت در مدیریت قیمت‌ها، موجب ظلم به مردم شود و مردم به خاطر قیمت‌سازی مصنوعی عده‌ای فرصت‌طلب و مفسد اقتصادی یا نفوذ نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری دشمن در قالب جنگ اقتصادی نتوانند از همدیگر روزی بخورند، اینجاست که دولت حسب وظیفه ذاتی خود که تحقق مصالح جامعه اسلامی است، باید برای مدیریت قیمت‌های بازار وارد عمل شود و وارد نشدن دولت در این شرایط نوعی ظلم دولت به مردم محسوب می‌شود.

بنابراین با استناد به قاعده ممنوعیت اختلال نظام و لاضرر و حتی قاعده مصلحت، در صورتی که تحقق این عناوین قطعی باشد، با توجه به اینکه این عناوین حاکم بر عناوین اولیه هستند، می‌توان در چنین مواردی، حکم به جواز ورود دولت برای مدیریت تسعیر داد.

۵. مداخله پیامبر اکرم (ص) در بازار به منظور از بین بردن قدرت بازاری عرضه‌کنندگان بوده تا بازار به شرایط رقابت نزدیک‌تر گردیده و قیمت بازار، همان قیمت تسویه‌کننده بازار شود؛ چراکه تعیین قیمت در قیمتی بالاتر یا پایین‌تر از قیمت تعادلی، می‌تواند منجر به عدم تعادل و عدم تسویه بازار گردد. بنابراین شیوه مداخله پیامبر (ص) در بازار در صورت لزوم، استفاده از **سیاست‌های غیر تسعیری** بوده است. از این رو، بعد از احراز شرایط دخالت دولت، مانند بروز اختلال در نظام اقتصادی یا وجود مصلحتی هم‌تراز با ادله عدم دخالت، سیاست‌های غیر تسعیری در اولویت قرار دارند؛ یعنی اگر دولت بتواند با این سیاست‌ها بازار را به حالت عادی بازگرداند، اعمال

سیاست‌های تسعیری ممنوعیت شرعی دارد. اما چنانچه به تشخیص متخصصان امر، سیاست‌های غیر تسعیری کارآمد نبوده و چاره‌ای جز سیاست تسعیری نباشد، با رعایت مصلحت عمومی، دخالت دولت برای قیمت‌گذاری بلامانع و حتی در مواردی واجب خواهد بود.

ب) بررسی فقهی تسعیر نرخ ارز

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، از منظر موضوع‌شناسی و کارکردهای ارز خارجی در اقتصاد داخلی، کارشناسان در مورد دخالت دولت در قیمت‌گذاری ارزهای خارجی اختلاف نظر دارند.

مخالفان تسعیر ارز معتقدند که ارز خارجی ماهیتی مشابه کالا دارد و به همان دلیلی که قیمت‌گذاری دولت بر کالاها ممنوع است، دخالت دولت در تعیین نرخ ارز نیز جایز نیست. در مقابل، موافقان تسعیر بر این باورند که ارز خارجی تفاوت‌های اساسی با سایر کالاها دارد و کارکردهای ویژه‌ای که ارز در اقتصاد داخلی ایفا می‌کند - به‌ویژه تأثیر عمیق نوسانات آن بر ارزش پول ملی - ایجاب می‌کند که ارز خارجی از حکم کلی ممنوعیت تسعیر مستثنا شود و دولت در تعیین نرخ آن دخالت داشته باشد. در این مورد از تعدادی از استادان اقتصاد اسلامی^۱ نظرسنجی شد که نتایج آن، وجود اختلاف نظر در این زمینه را تأیید کرد. در مجموع می‌توان سه دیدگاه در مورد ارزهای خارجی بین کارشناسان مشاهده کرد:

۱. استادان و پژوهشگرانی که در این نظرسنجی شرکت کردند عبارتند از: ۱. حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین میرمعزی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)؛ ۲. حجت‌الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی

۱. ارزش خارجی شبیه کالاهای عادی است.
 ۲. ارزش خارجی شبیه پول ملی است.
 ۳. ارزش خارجی نه شبیه کالای عادی است و نه شبیه پول ملی، بلکه کالای خاص است.
- در ادامه با تبیین هریک از دیدگاه‌های فوق نظر برگزیده ارائه و حکم تسعیر ارزش خارجی براساس آن بیان می‌شود.

دیدگاه اول: ارزش خارجی به مثابه‌ی کالای عادی

مطابق این دیدگاه ارزش خارجی یک دارایی شخصی و شبیه سایر کالاهاست که مردم آن را خرید و فروش می‌کنند؛ چنان‌که مراجع عظام تقلید معامله آن را جایز دانسته‌اند؛ بنابراین دولت حق ندارد برای اموال دیگران قیمت تعیین کند؛ زیرا این موضوع اولاً موجب ضرر اشخاص دارنده ارزش می‌شود، ثانیاً از نظر اجتماعی هم موجب پدید آمدن بازار سیاه و احتکار و... و در نهایت ضرر به عموم جامعه می‌شود.^۱

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)؛ ۳. حجت الاسلام والمسلمین سید رضا حسینی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)؛ ۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی (عضو هیئت علمی دانشگاه مفید)؛ ۵. حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام).

۱. اظهارات دکتر موسی غنی‌نژاد در مصاحبه با اکو ایران: <https://B2n.ir/gb۳۲۰۳>

دیدگاه دوم: ارز به مثابه پول

براساس این دیدگاه، تغییر در نرخ ارز، ارزش پول ملی یک کشور را تعیین می کند و با افزایش نرخ ارز، قدرت خرید یک ملت کاهش می یابد. از سوی دیگر ارز کالا نیست، بلکه پول است و ایجاد بازار برای خرید و فروش پول، نوعی بسترسازی برای کسب سود از خرید و فروش پول است؛ لذا دولت به عنوان ضامن ارزش پول ملی نباید اجازه دهد که ارزش پول کشور، در بازار عرضه و تقاضای فروشندگان و خریداران ارز تعیین شود؛ بلکه خودش باید متولی ارزش پول ملی باشد، طبق ضوابطی برای آن نرخ تعیین کند و همه صادرکنندگان مکلف به رعایت این نرخ باشند.^۱

دیدگاه برگزیده: ارز یک کالای خاص است

به نظر می رسد ارز خارجی نه کالایی عادی است و نه پولی مانند پول ملی، بلکه کالایی خاص با ویژگی های منحصر به فرد است:

۱. **ماهیت اعتباری و قدرت اقتصادی:** ارز خارجی، یک مال حقیقی با ارزش ذاتی نیست که ارزش آن به خود آن بازگردد و عرضه و تقاضایش براساس منافع عقلایی و طبیعی شکل بگیرد؛ بلکه ارز خارجی، یک مال اعتباری است که کشور ایجادکننده آن می تواند بدون محدودیت فنی^۲ هر مقدار که بخواهد آن را منتشر کند.

۱. اظهارات دکتر سید یاسر جبرائیلی: <https://B2n.ir/nj۲۵۴۰>

۲. هرچند ممکن است که کشور معتبر و تولیدکننده ارز خارجی، در عرضه آن برخی ملاحظات و محدودیت های اقتصادی را مد نظر داشته باشد، اما اگر بخواهد با استفاده از این ابزار، کشورهای هدف را مورد حمله اقتصادی قرار دهد، از منظر فنی هیچ محدودیتی ندارد.

همین ویژگی، برای کشور صادرکننده ارز مزیت و قدرت اقتصادی به شمار می آید و این قدرت را به آنها می دهد تا از طریق سیاست های پولی، عرضه دلار را کنترل و از آن به عنوان اهرم فشار اقتصادی استفاده کنند. این ویژگی، دلار را از یک کالای عادی متمایز می سازد و آن را به یک ابزار ژئوپلیتیکی تبدیل می کند.

۲. اثرگذاری بر اقتصاد ملی: نوسانات نرخ ارز تأثیر عمیقی بر ارزش پول ملی و شاخص های کلان اقتصادی دارد؛ به گونه ای که هیچ کالای دیگری، حتی نفت، نمی تواند از جهت قدرت و سرعت تأثیرگذاری بر اقتصاد کشور با ارز خارجی برابری کند.

۳. دلار و سیاست های خصمانه آمریکا: مهم ترین ارز خارجی در ایران، دلار است که واحد پول ملی کشور متخاصم، یعنی ایالات متحده آمریکاست. هرچند آمریکا با بهره گیری از ترفندهای استعماری توانسته است پول ملی خود را به یک ارز بین المللی تبدیل کند و برای آن، مانند دیگر کالاها، بازار عرضه و تقاضا ایجاد نماید. تجربه نشان داده که آمریکا از دلار، به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورهای هدف، به ویژه ایران، استفاده می کند. بنابراین، دلار را نمی توان کالایی عادی مانند سایر کالاها تلقی کرد.

۴. حق عمومی در ارزهای صادراتی: اصلی ترین دارندگان ارز خارجی در ایران، صادرکنندگان کالا، به ویژه شرکت های پتروشیمی و فولادی، هستند. این شرکت ها عمدتاً از منابع طبیعی ارزان قیمت ایران، مانند برق و آب و معادن، برای تولید محصولات صادراتی خود بهره می برند. برای نمونه، شرکت های فولادی با استفاده از

این منابع ارزان، فولاد تولید و صادر می‌کنند و از این طریق ارز قابل توجهی به دست می‌آورند. بنابراین می‌توان گفت در ارزشهای حاصل از این طریق، به نوعی حق عمومی مستتر است.

۵. ارز خارجی پول ملی محسوب نمی‌شود: هر چند ارزشهای خارجی در کشور مبدأ خود (مانند دلار در ایالات متحده) از جایگاه «پول ملی» برخوردارند، اما در نظام اقتصادی ایران، چنین وصفی بر آنها صادق نیست. علت آن است که این ارزها، لااقل یکی از ارکان چهارگانه پول - یعنی نقش «واحد سنجش ارزش» در مبادلات داخلی - را ایفا نمی‌کنند. از این رو، صرف کاربرد آنها در برخی معاملات به عنوان «ثمن» نمی‌تواند موجب اطلاق عنوان «پول» بر آن گردد؛ چنان که در معاملات معاوضی نیز ممکن است یک کالا ثمن قرار گیرد، بدون آنکه ثمن مزبور ماهیت پولی داشته باشد. بنابراین، از منظر فقهی و بنابر فتوای جمیع مراجع عظام تقلید، معامله ارزشهای خارجی فی نفسه اشکال ندارد، مشروط بر آنکه شرایط عمومی صحت معاملات رعایت گردد.

جمع‌بندی حکم فقهی تسعیر ارز خارجی

براساس دیدگاه برگزیده، ارز خارجی پول ملی محسوب نمی‌شود که میزان انتشار یا کنترل ارزش آن منحصراً به عهده دولت باشد؛ اما درعین حال برخی از ارزهای خارجی، به‌ویژه دلار، کالای عادی هم محسوب نمی‌شود که همواره شرایط اجرای قاعده ممنوعیت تسعیر برای آن فراهم باشد؛ بلکه به‌خاطر ویژگی‌هایی که گفته شد، کالای خاص قلمداد می‌شود که همواره در معرض حکم ثانوی و حکومتی تسعیر قرار دارد.

درعین حال به جهت رعایت روش رایج فقهی ابتدا حکم اولی ارز خارجی با فرض کالای عادی بودن آن - هرچند که غیرمحمّل است - بیان می‌شود، سپس حکم ثانوی و حکومتی آن را با فرض محتمل بودن بروز شرایط ثانوی بیان می‌نماییم.

بنابراین می‌توان حکم تسعیر کالاها را بدین شرح بر ارز خارجی تطبیق کرد:

۱. حکم اولی: در شرایط عادی اقتصاد - و با فرض غیرمحمّل اینکه ارز خارجی همانند کالای عادی است - دولت حق قیمت‌گذاری روی ارزهای خارجی را ندارد و در این زمینه، قاعده «ممنوعیت تسعیر» حاکم است؛ بنابراین قیمت ارز را عرضه و تقاضای بازار معین می‌کند.

۲. حکم ثانوی: اما با توجه به کالای خاص بودن برخی ارزهای خارجی به‌ویژه دلار، و اینکه کاهش یا افزایش قیمت ارزهای خارجی به‌صورت طبیعی نبوده و افراد تمامیت‌خواه و فرصت‌طلب و مهم‌تر از همه نفوذی‌های دشمنان متخاصم به‌منظور جنگ اقتصادی، نبض بازار ارز را دست گرفته و نرخ آن را به‌صورت مصنوعی و به‌منظور اختلال در اقتصاد کشور دستکاری می‌نمایند، به طوری که اقتصاد کشور به‌خاطر قیمت‌سازی مصنوعی، با مشکل مواجه می‌شود، اینجاست که دولت حسب وظیفه ذاتی

خود که تحقق مصالح عموم است، باید برای مدیریت نرخ ارز وارد عمل شود و عدم دخالت دولت در این شرایط نوعی ظلم دولت و کوتاهی وی از وظایف محسوب می‌شود.

۳. در عین حال، در چنین شرایطی دولت باید سیاست‌های غیرتسعیری را که برخی از آنها در ادامه پیشنهاد خواهد شد، در اولویت قرار دهد؛ بنابراین اگر دولت بتواند با سیاست‌های غیرتسعیری بازار ارز را به حالت عادی بازگرداند، اعمال سیاست‌های تسعیری ممنوعیت شرعی دارد؛ ولی اگر کارشناسان تشخیص دهند که سیاست‌های غیرتسعیری کارآمد نیستند و چاره‌ای جز اعمال سیاست تسعیر نباشد، با رعایت مصلحت عمومی، دخالت دولت برای قیمت‌گذاری ارز بلامانع و حتی در مواردی واجب خواهد بود.

توصیه‌های سیاستی

۱. بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز در کشور ما، خود دولت است؛ بنابراین تعیین نرخ توسط دولت برای ارزی که خودش به بازار عرضه می‌کند، منافاتی با روایات مربوط به ممنوعیت تسعیر ندارد. طبعاً دولت می‌تواند به‌منظور تنظیم بازار، حفظ قدرت خرید مردم، حمایت از اقشار فرودست و حفظ قدرت خرید پول ملی و سایر مصالح کشور، نرخ را برای ارز حاصل از صادرات شرکت‌های دولتی تعیین کند. با توجه به سهم چشمگیر دولت در بازار ارز، قطعاً نرخ دولتی ارز می‌تواند بر نرخ بازار آزاد مؤثر باشد.
۲. گفته شد که بخش عمده منابع ارزی کشور از صادرات کالاها و خدمات تأمین می‌شود. این منابع ترکیبی از تلاش افراد، شرکت‌ها و بنگاه‌ها و همچنین خدماتی است که دولت ارائه می‌دهد. یکی از این خدمات، انرژی ارزان‌قیمت شامل آب و برق و سوخت و گاه معادنی است که دولت در اختیار صناعی نظیر پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها قرار می‌دهد. این انرژی ارزان، در واقع حق عموم مردم است که به‌صورت یارانه‌ای به این صنایع عرضه می‌شود. بنابراین، تفاوت قیمت داخلی و خارجی این انرژی، که به شکل ارز نصیب صادرکنندگان می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد. این سود ناشی از قیمت‌های پایین داخلی است. در نتیجه، دولت نه تنها حق نظارت بر این موضوع را دارد، بلکه می‌تواند با وضع مالیات یا عوارض، رانت ناشی از منابع طبیعی یا یارانه‌های پنهان را دریافت نماید و این رویکرد، نوعی سیاست غیرتسعیری به‌شمار می‌رود.
۳. نرخ ارز اگرچه از مصادیق مورد اشاره در روایات ممنوعیت احتکار نیست، اما توجه به ملاک و علت این حکم به‌روشنی گویای این واقعیت است که هدف از حکم

ممنوعیت احتکار در این کالاها، جلوگیری از اختلال نظام معیشت مردم و حمایت از اقشار فرودست جامعه جهت تأمین حداقل‌های مورد نیاز زندگی بوده است. با توجه به اهمیت نرخ ارز در کشور ایران و تأثیر چشمگیر آن در قیمت سایر کالاها، می‌توان ادعا کرد احتکار «ارز» در شرایط امروز کشور، منجر به اختلال نظام معیشت مردم شده و مشمول روایات ممنوعیت احتکار قرار می‌گیرد و دولت نمی‌تواند به احتکار ارز بی‌توجه باشد.

۴. امروز کشور در شرایط جنگ اقتصادی قرار دارد و دشمن از هر طریقی در پی افزایش فشار اقتصادی بر مردم و قرار دادن مردم در برابر نظام است. در همین راستا نه تنها از ابزار تحریم اقتصادی استفاده می‌کند، بلکه از طریق ایجاد شوک‌های روانی در بازار ارز از طریق برخی کانال‌های تلگرامی - که به گفته وزیر اقتصاد، برخی از این کانال‌ها در آمریکا ثبت شده‌اند و سرورهایشان در آنجاست - در پی ایجاد التهاب در بازار ارز می‌باشد. بر این اساس دولت در چنین شرایطی نمی‌تواند با اعتماد به سازوکار قیمت در بازار غیررسمی، سیاست‌گذاری و احیاناً نرخ تعیین کند؛ بلکه برای هر نوع نرخ‌گذاری، لازم است ابتدا شرایط بازار را با خارج کردن سفته‌بازان از این بازار، تثبیت و سپس اقدام به سیاست‌گذاری کند.

۵. دولت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان ارز در کشور، باید مصلحت عموم مردم را ملاک تعیین نرخ برای عرضه ارز خود در نظر بگیرد؛ نه اینکه در مسابقه افزایش نرخ ارز، همچون سایر بازیگران این عرصه به دنبال حداکثر کردن منافع خود و جبران کسری بودجه خویش باشد. طبعاً جبران کسری بودجه دولت باید از طریق

افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های دولت، مولدسازی دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی، اصلاح نظام مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی، افزایش شفافیت مالی بنگاه‌ها و ایجاد سازوکارهای انگیزشی کافی در مؤدیان مالیاتی صورت پذیرد؛ نه از طریق افزایش نرخ ارز که منجر به تورم شده و درواقع شکلی از مالیات تورمی است؛ زیرا بار مالیات در مالیات تورمی عملاً بر اقشار کم‌برخوردار جامعه تحمیل می‌شود و این موضوع در تعارض آشکار با عدالت است.

منابع

۱. ابن بابويه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ۴ج، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، ۲ج، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۳۶۳)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۴. حکیمی، محمد و علی حکیمی، (۱۳۶۷)، الحیاة، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۶. حلی (محقق)، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۷. امام خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، ۲ج، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار العلم.
۸. _____، (بی تا)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۷ق)، الفائق فی غریب الحديث، بیروت: دار الکتب العلمية.

۱۰. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۱۴ق)، المراسم العلویة فی الاحکام النبویه، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۱. شاکری، عباس، (۱۳۹۱)، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، ج ۱، تهران: رافع، چاپ سوم.
۱۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، ج ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامية، تهران: مکتب المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۴. _____، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۷. منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۵ق)، دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامیه، ج ۲، قم: تفکر.
۱۸. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

گزارش راهبردی

